

ORIGINAL ARTICLE

Civil Liability of Electricity Supply Institutions in Iran and America from the Perspective of "Sovereignty" or "Management"

Faezeh Sadat Saadatmandi¹, Hasan Badini² , Abbas Karimi³

1. Doctoral Student of Private Law, Islamic Azad University, Tehran Branch, Center, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Correspondence:

Hasan Badini

Email: hbadini@ut.ac.ir

Received: 29/Mar/2024

Accepted: 04/Aug/2024

How to cite:

Saadatmandi, F.S.; Badini, H.; Karimi, A. (2024). Civil Liability of Electricity Supply Institutions in Iran and America from the Perspective of "Sovereignty" or "Management", Civil Law Knowledge, 13 (1), 93-104. (DOI: [10.30473/clk.2024.70918.3253](https://doi.org/10.30473/clk.2024.70918.3253))

ABSTRACT

The purpose of this research is to answer the question that under what conditions is the civil liability of the electricity supplier institutions in Iran and the United States caused by the acts of governance and under what conditions is it caused by the acts of entrepreneurship? It is trying to use a qualitative method based on collecting information from library sources (documents) and analytical-descriptive method, in the form of conducting a comparative study, to find some examples that can create civil liability for the government or others in the two legal systems of Iran and the United States. The trustees (private electricity supply institutions) should be investigated in front of consumers or subscribers of electricity. The findings of this study indicate that the civil liability of electricity supplier institutions in Iran and the United States in the stages of production and transmission is considered as "sovereign actions" and the civil responsibility of electricity supplier institutions in the distribution stage among subscribers and consumers is considered as "operating actions". Despite this commonality, comparative studies have been carried out indicating that the civil liability of the electricity supplier in the production phase is based on "fault" in the Iranian legal system and based on "pure error" in the American legal system, and therefore, if the government, as If the electricity supplier fails due to lack of correct policies or lack of investment in electricity production or purchase and transmission, it becomes eligible for civil liability. However, among the examples of civil liability of electricity supplier institutions in the distribution phase, which is considered to be among the acts of entrepreneurship, which are mainly applied by private institutions, we can refer to the liability arising from the lack of care and maintenance of facilities and equipment for the transmission and distribution of electricity to subscribers, as well as the liability arising from Negligence and lack of preventive measures and security measures, he pointed out that the factor of "fault" plays a fundamental and key role in establishing civil liability for the aforementioned supplier institutions.

KEYWORDS

American Law, Civil Liability, Electricity Supply Institutions Iranian Law.



«مقاله پژوهشی»

مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق در ایران و آمریکا از بعد «حاکمیتی» یا «تصدی گری»

فائزه السادات سعادت‌مندی^۱، حسن بادینی^۲، عباس کریمی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این سؤال که مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق در ایران و آمریکا تحت چه شرایطی ناشی از اعمال حاکمیتی و تحت چه شرایطی ناشی از اعمال تصدی‌گری می‌باشد؟ در تلاش است با کاربردی‌ترین شیوه کیفی مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش تحلیلی - توصیفی، در قالب انجام مطالعه‌ای تطبیقی، برخی مصادیق را که می‌تواند در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا ایجاد مسئولیت مدنی برای دولت یا دیگر متولیان امر (نهادهای تأمین کننده برق خصوصی) در مقابل مصرف‌کنندگان یا مشترکین برق نماید را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق در ایران و آمریکا در مراحل تولید و انتقال در زمره «اعمال حاکمیتی» و مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق در مرحله توزیع میان مشترکین و مصرف‌کنندگان در زمره «اعمال تصدی‌گری» قلمداد می‌گردد. به‌رغم این اشتراک، مطالعات تطبیقی صورت‌گرفته حاکی از آن است که مسئولیت مدنی نهاد تأمین کننده برق در مرحله تولید، در نظام حقوق ایران مبتنی بر «تقصیر» و در نظام حقوقی آمریکا مبتنی بر «خطای محض» است و بنابراین، چنانچه دولت به مثابه نهاد تأمین کننده برق به جهت عدم سیاست‌گذاری‌های صحیح و یا عدم سرمایه‌گذاری در امر تولید و یا خرید و انتقال برق کوتاهی کند، واجد مسئولیت مدنی می‌شود، اما از مصادیق مسئولیت مدنی نهادهای خصوصی اعمال می‌شود، می‌توان به مسئولیت ناشی از عدم مراقبت و نگهداری از تأسیسات و تجهیزات انتقال و توزیع برق به مشترکین و نیز مسئولیت ناشی از اهمال و کوتاهی در تدابیر پیشگیرانه و اقدامات امنیتی اشاره کرد که عامل «تقصیر» بر احراز مسئولیت مدنی برای نهادهای تأمین کننده مذکور نقش اساسی و کلیدی دارد.

واژه‌های کلیدی

نهادهای تأمین کننده برق، مسئولیت مدنی، حقوق ایران، حقوق آمریکا.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

حسن بادینی

riahadini@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

استناد به این مقاله:

سعادت‌مندی، فائزه‌السادات؛ بادینی، حسن؛ کریمی، عباس (۱۴۰۳). وضعیت حقوقی سرمایه‌گذاری در مناطق نمونه گردشگری با امکان‌سنجی وقوع قراردادهای مشارکت عمومی - خصوصی در این مناطق، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۱)، ۹۳-۱۰۴.

(DOI: 10.30473/clk.2024.70918.3253)



مقدمه

تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) و استقلال صنعت برق از سویی و تشکیل شرکتها و سازمانهای تابعه توانیر از سوی دیگر بودیم.

امروزه، ساختار صنعت برق در جوامع را می‌توان متشکل از سه حوزه اصلی: ۱. تولید برق، ۲. ترانزیت، خرید و فروش و انتقال برق و ۳. توزیع و فروش برق دانست. بر این مبنای، به نهادهای (دولتی و خصوصی) که متولی ارائه خدمات در بخش‌های مذکور می‌باشند، «نهادهای تأمین‌کننده برق» می‌گویند که نقش اساسی در ارائه خدمات به مشترکین و مصرف‌کنندگان برق دارا می‌باشند؛ مضافاً اینکه در صورت بروز خاموشی و به تبع آن بروز خسارات مالی، جانی و جسمانی به مشترکین و مصرف‌کنندگان برق، واجد مسئولیت حقوقی تلقی گردیده و ملزم به پاسخگویی و در صورت لزوم جبران خسارت می‌باشند؛ چرا که هر فعل یا ترک فعل که موجب اضرار به شخص اعم از حقیقی یا حقوقی شود، سبب مسئولیت مدنی است. (ایرانی، ۱۴۰۱: ۱۲۹)

نوشتار حاضر با طرح این سؤال که مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در ایران و آمریکا تحت چه شرایطی ناشی از اعمال حاکمیتی و تحت چه شرایطی ناشی از اعمال تصدی‌گری می‌باشد؟ در تلاش است در قالب مطالعه‌ای تطبیقی، برخی مصادیق را که می‌تواند در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا ایجاد مسئولیت مدنی برای دولت یا دیگر متولیان امر (نهادهای تأمین‌کننده برق خصوصی) در مقابل مصرف‌کنندگان یا مشترکین برق نماید را مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

مطالعه انجام‌شده از نظر ماهیت یک پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد مطالعه تطبیقی می‌باشد که برای جمع‌آوری اطلاعات از رویکرد کتابخانه‌ای استفاده شده است و با مراجعه به کتابها و مقالات مرتبط با موضوع اعم از حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا و فیش‌برداری از آنها، اطلاعات لازم جمع‌آوری و ارائه شده است.

توصیف حدود و ثغور اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری

به طور کلی، اعمال دولت به دو نوع عمل تصدی و عمل حاکمیت تقسیم می‌شود. تعاریف متعددی از امور حاکمیتی و تصدی‌گری ارائه شده است؛ از جمله اینکه «عمل حاکمیت عملی است که دولت از حیث داشتن قدرت عمومی و به عنوان اعمال قدرت عمومی انجام می‌دهد و فقط در انحصار قدرت

از آغاز دهه ۱۹۹۰م، صنعت برق در سراسر دنیا تحولات بنیادینی را تجربه کرد. ساختار سنتی این صنعت که حول انحصار و مالکیت دولتی بنا شده بود، به تدریج منسوخ گشت و زمینه برای رقابت بخش‌های گوناگون با یکدیگر فراهم شد (Arocena, 2008) و مجموعه اقداماتی اصلاحی مبتنی بر اصلاحات ساختاری و مالکیتی به منظور بهبود وضعیت صنعت برق و ارائه بهتر و مناسب‌تر خدمات به مصرف‌کنندگان صورت گرفت. تجدید ساختار صنعت برق به صورت جداسازی قسمت بالقوه رقابت‌پذیر (تولید و خرده-فروشی) از بخش‌های انحصار طبیعی (انتقال و توزیع) شروع شد. هدف اصلی تجدید ساختار مزبور، افزایش رقابت در صنعت و اطمینان از آن بود که اپراتورهای سیستم توزیع برق صرفاً بر عملیات توزیع تمرکز نمایند و از این طریق بتوانند از صرفه‌های مقیاس بالقوه در بخش توزیع به صورت بهتری استفاده کنند (میدلند و همکاران، ۲۰۲۰). در راستای اعمال تجدید ساختار در صنعت برق در ایالات متحده آمریکا که از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده و از جمله بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان به شمار می‌رود، اغلب نهادهایی که در بخش انتقال و توزیع انرژی این کشور فعالیت می‌کنند به بخش خصوصی تعلق گرفت و امروزه از جمله کشورهای با مشارکت بالای بخش خصوصی در صنعت برق تلقی می‌شود و امروزه بخش عمده‌ای از این صنعت، خارج از حوزه اختیار و انحصار دولت فدرال اداره می‌گردد. شرکت‌های تأمین‌کننده برق در آمریکا از جمله شرکت‌های سهامی عام در آمریکا است که بخش عمده‌ای از سرمایه آن از طریق سهام به غیرمؤسسان تأمین می‌شود. (IEA, 2014: 47)

در ایران، مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی، تأمین نیرو (تولید برق تا انتقال و توزیع آن به مشترکین) از وظایف دولت برشمرده شده است و برای تحقق این هدف تضمین تولید برق (بخش نیروگاهی صنعت برق)، بر عهده دولت است، اما صنعت برق ایران نیز از اوایل دهه ۱۳۷۰ به تغییر ساختار سازمانی خود اقدام کرد. (توانیر، ۱۳۹۱) تجدید ساختار صنعت برق به معنای شکست انحصار عمودی دولت بر صنعت از طریق جداسازی زنجیره یکپارچه عمودی و بر هم تنیده تأمین برق و تفکیک در قالب بخش‌های رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر بود. (عبادی و دودایی‌نژاد، ۱۳۹۰) با تجدید ساختار، تولیدکنندگان، خطوط انتقال و شبکه توزیع از هم جدا شدند و شاهد، تشکیل شرکت

تحلیل مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در

ایران و آمریکا

۱. تحلیل مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق

از بُعد حاکمیتی

مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و انتقال برق، از منظر حاکمیتی قابل طرح می‌باشد. با توجه به آنکه متولی تولید و انتقال برق در آمریکا، شرکت برق فدرال و در ایران وزارت نیرو یا (وزارت آب و برق سابق) هستند که هر دو نهادهایی دولتی تلقی می‌شوند، بنابراین می‌توان مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و انتقال را از بُعد حاکمیتی مورد بررسی قرار داد. مطالعات صورت‌گرفته حاکی از آن است که در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، نهادهای دولتی تأمین‌کننده برق، مسئول تولید برق مورد نیاز مشترکین و مصرف‌کنندگان می‌باشند و این مسئولیت ناشی از «قرارداد» می‌باشد و بر مبنای قراردادی که با مشترکین خود دارد، ملزم به تأمین برق مصرفی آنان هستند؛ حال چنانچه نهادهای تأمین‌کننده برق اقدام به نقض تعهدات قراردادی خود نمایند و به تبع آن برق مورد نیاز مشترکین را تأمین نکرده و زمینه‌ساز قطع برق و بروز خاموشی شوند، بی‌شک مسئولیت مدنی پیدا خواهند کرد.

اما مبنای مسئولیت در این دو نظام حقوقی متفاوت است؛ به طوری که در حقوق ایران، مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید و انتقال، مبتنی بر «تقصیر» است و خسارات قابل مطالبه ناشی از نقض تعهدات قراردادی، منوط به تصریح طرفین، عرف یا قانون شده است. مواد ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳ و ۶۹۴ در قبال افراد مسئول و مکلف به جبران خسارت ناشی از تقصیر یا عدم مدیریت صحیح شخصیت حقوقی مطابق مواد پیش‌گفته ناظر بر ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی می‌باشند و قانون مدنی ایران در مسئولیت قراردادی مذکور، تنها راه‌هایی از مسئولیت متعهد را اثبات قوای قاهره دانسته و نامی از تقصیر نبرده است. بنابراین، نهاد تأمین‌کننده برق نمی‌تواند با اثبات بی‌تقصیری از مسئولیت معاف شود. او باید ثابت نماید هرگونه تلاشی جهت اجرای عقد بی‌نتیجه بوده است. اگر متعهد در زمان عقد قرارداد قادر به پیش‌بینی مانع خارجی باشد و در عین حال اقدام به انعقاد قرارداد نماید، فرض بر آن است که با آگاهی از قوای قاهره قبول تعهد کرده و به همین علت باید در احتراز از آن،

عمومی است. همچنین، مطابق تعریفی دیگر، منظور از اعمال حاکمیت مواردی است که اشخاص حقوقی حقوق عمومی اعمالی را انجام می‌دهند که در انجام آنها، حاکم و قدرت مطلق می‌باشند و به وسیله آنها به مردم فرمان می‌دهند و تحکیم می‌کنند و این اعمال قابل تفویض نیستند (موسوی‌مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵) و طبعاً به وسیله دولت‌ها صورت می‌گیرد و به علت ارتباط با موضوعات حساس سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی، صرفاً از طریق دولت‌ها تنظیم و اجرا می‌شوند. (ضیائی و یعقوبی، ۱۴۰۱: ۲۲۳)

اعمال تصدی یا «تجاری» یا «خصوصی» در مقابل اعمال حاکمیتی است (Kunchel, 2011: 115) و بر خلاف اعمال حاکمیتی قابل واگذاری به بخش خصوصی است. (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۳) بنابراین، می‌توان گفت، امور تصدی‌گری اموری هستند که اشخاص حقوقی حقوق عمومی مانند اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی انجام آن را بر عهده دارند، در انجام آنها اعمال قدرت و تحکیم نمی‌کنند، منافع آنها لزوماً به همه جامعه نمی‌رسد و به اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی تفویض کردنی می‌باشند. (موسوی‌مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵) از زمانی که نظریه خصوصی‌سازی و محدود ساختن قلمرو انحصاری دولت به نفع بخش خصوصی در راستای کاهش تصدی‌های دولت و افزایش کارآمدی اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های جوامع مورد توجه قرار گرفت، جداسازی اعمال تصدی از اعمال حاکمیتی و مشخص کردن قلمرو هر یک نیز به‌طور جدی‌تری دنبال شد تا بخش‌هایی که قابلیت واگذاری به اشخاص خصوصی را تحت عنوان اعمال تصدی دارد، مشخص شود. (شیروی و سراج، ۱۳۹۹: ۶۶۵)

در خصوص اعمال تصدی و حاکمیتی در صنعت برق باید اذعان داشت که در تمامی جوامع، مالکیت نیروگاه‌های تولید برق، مدیریت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های بالادستی شامل تولید، خرید و فروش و توسعه در انحصار بخش دولتی است و صرفاً در مرحله انتقال و توزیع آن به مشترکین است که شاهد نقش‌آفرینی نهادهای خصوصی در نقش تصدی‌گری می‌باشیم. بر مبنای تفکیک و دسته‌بندی مذکور، در ادامه مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در ایران و آمریکا از منظر اعمال حاکمیتی و نیز اعمال تصدی‌گری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

توانایی در تولید میزان برق مشترکین اشاره داشت؛ در صورتی که تولید انرژی برق نیازمند کار کارشناسی و احداث سدها و نیروگاه‌های آبی، نیروگاه‌های بادی و خورشیدی، هسته‌ای و... باشد، نهاد تأمین‌کننده برق ملزم به برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و تسهیل فرایند تولید و تأمین این کالای ارزشمند می‌باشد. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، چیزی حدود ۴۰۰ هزار مگاوات برق تولید می‌شود که بخش عمده‌ای از آن از طریق سوخت‌های فسیلی و زغال سنگ تأمین می‌شود و در کنار آن منابع دیگری مانند انرژی هسته‌ای، انرژی بادی و برق آبی نیز در تولید برق این کشور مؤثر هستند؛ به طوری که به منظور تولید برق، سدهایی چون «گرند کولی» که یک سد وزنی و نیروگاه برقابی در ایالات متحده آمریکا است، در شهرستان اوکانوگان، واشینگتن؛ سد هور که یکی از بزرگ‌ترین سدهای ایالات متحده آمریکا است بر روی رودخانه کلرادو در جنوب شرقی شهر لاس وگاس در مرز بین ایالت‌های نوادا و آریزونا و... ساخته شده است و در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری‌های بسیار خوبی در راستای تأمین برق از نیروگاه‌های خورشیدی، بادی و اتمی صورت پذیرفته است تا برق مورد نیاز مشترکین در این کشور تأمین شود. (Thomas & Williamson, 2019) در این میان، برای انجام‌دهندگان فعالیت‌های مفید، اما خطرناک مانند تولیدکنندگان و بهره‌برداران تأسیسات اتمی که در تولید و تأمین برق مشارکت دارند، در نظام حقوقی آمریکا، مسئولیت محض و الزام به خرید پوشش بیمه به منظور جبران خسارات احتمالی مقرر گردیده است. (مولودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۶) برق به هر روش و از هر منبعی که تولید شده باشد، در کل فرقی نمی‌کند. نکته مهم کیفیت برق تولیدی است؛ چرا که جریان برق چنانچه با نوسانات شدید همراه باشد، ضمن ایجاد اختلال در شبکه، حسب مورد به تجهیزات مصرف‌کنندگان برق آسیب می‌رساند؛ برای نمونه، حداقل استانداردهای ساخت و تجهیزات بیمارستانی و پزشکی آمریکا، برق سالم برای مصارف حساس را دارای سه خصوصیت می‌داند: ولتاژ سالم و تمیز، ولتاژ تثبیت شده و ولتاژ پایدار و پیوسته. به همین منظور، بهره‌بردار مستقل سامانه که عهده دار حفظ پایایی شبکه است، در مواقعی که برق تریقی به شبکه، ولتاژ و فرکانس اعلام شده را دارا نباشد، تمهیداتی از جمله قطع خودکار اتصال، پیش‌بینی می‌کند (Stoft, 2024: 722). بی شک در صورتی که این مهم صورت نپذیرد، خساراتی را به بار آورده و مسئولیت مدنی

تمهیدات لازم را مهیا می‌نموده است. بنابراین، در چنین مواردی استناد عدم اجرا به قوای قاهره نیز، نهاد تأمین‌کننده را از مسئولیت معاف نمی‌کند، اما در حقوق آمریکا، مبنای ایجاد مسئولیت قراردادی نهادهای تأمین‌کننده برق به مشترکین، «مسئولیت محض» یا مسئولیت بدون تقصیر است بدون اینکه به غفلت یا انگیزه ایجاد خسارت، توجهی شود. مسئولیت این نهادها صرفاً بر اساس نقض وظیفه تعهد ایجاد می‌شود. بنابراین، در این نظام حقوقی به محض احراز تخلف از انجام تعهدات قراردادی، بدون توجه به دلیل نقض یا ارتکاب تقصیر، متعهد مسئول جبران خسارت قرار می‌گیرد؛ چرا که تعهدات قراردادی به مثابه قدرت انتخاب متعهد در اجرای تعهدات قراردادی یا پرداخت خسارت است. (Hillman, 2014: 278- 279) لازم به ذکر است در حقوق آمریکا، اعمال مسئولیت محض در حقوق قراردادهای به محض نقض قرارداد، بدون در نظر گرفتن ارتکاب تقصیر یا عدم آن و هم چنین بدون در نظر گرفتن دلیل نقض، سبب تعیین تکلیف قطعی و فوری در منازعات با کمترین هزینه می‌گردد و متعهدین با اطمینان از ایجاد مسئولیت به محض تخلف، انگیزه زیادی در حفظ قرارداد و پیشگیری از نقض‌های غیرضروری دارند و چنانچه به هر علتی این تعهدات نقض گردد، با توجه به امکان پیش‌بینی نتیجه دادرسی، تلاش خواهند کرد بدون ورود به دادرسی، با مصالحه و توافق مسائل خود را حل و فصل نمایند. (واحد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۸۳)

در نظام حقوقی آمریکا این دیدگاه غالب است که متعهد در هنگام عقد قرارداد، تعهداتی را بر عهده می‌گیرد که توانایی و امکانات لازم در اجرای آن را داشته باشد. تحمیل مسئولیت محض قراردادی، متعهدین را از عقد قراردادی که قادر به اجرای تعهدات نباشد، باز می‌دارد. فرض بر آن است که متعهدین با در نظر گرفتن منافع، هزینه‌ها و موانع احتمالی تعهداتی را بر عهده می‌گیرند که قادر به انجام آن هستند. با این حال، در دهه‌های اخیر حقوقدانان این کشور سعی در گسترش مسئولیت قراردادی بر مبنای تقصیر دارند و بر این تلقی می‌باشند که لزوم حفظ ارزش‌های اخلاقی، نیازمند توجه به درجه تقصیر ارتكابی و نوع آن در تعیین مسئولیت است (Eisenberg, 2009: 1413- 1414) و ایجاد مسئولیت بر عهده متعهد در صورت عدم ارتکاب تقصیر غیراخلاقی است. از جمله مصادیق احراز مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله تولید، می‌توان به عدم

را برای نهادهای تأمین‌کننده برق در پی خواهد داشت.

در ایران نیز تاکنون، عدم انجام تکالیف قانونی وزارت نیرو در ایران، دلیل قطع برق و بروز خاموشی‌هایی در کشور بوده است؛ به طوری که بخش زیادی از خاموشی‌های اخیر در ایران مربوط به عدم انجام تکالیفی از جمله توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه برق هسته‌ای، توسعه ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی و مدیریت مصرف برق است که طبق برنامه‌های توسعه کشور بر عهده دولت و وزارت نیرو (به مثابه نهاد تأمین‌کننده برق در ایران) است؛ به طوری که آمارهای وزارت نیرو حاکی از آن است که از ۲۵ هزار مگاوات که باید در بخش حرارتی و افزایش تولید در نیروگاه‌ها انجام می‌شد، در حال حاضر کمتر از این میزان در جریان است و از سوی دیگر، از ۵ هزار مگاوات نیروگاه‌های تجدیدپذیر کمتر از ۵ درصد محقق شده است و همچنان نقطه اتکا در تولید برق در کشور، نیروگاه‌های برق آبی می‌باشد. در خصوص برق هسته‌ای نیز، مسئولیت مکان‌یابی، طراحی، احداث، تأمین سوخت اتمی و بهره‌برداری از این نیروگاه تولید برق هسته‌ای به عهده شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه سازمان انرژی اتمی ایران است و در این زمینه وزارت نیرو در جایابی بهینه، برآورد و تعیین ظرفیت متناسب با ساختار شبکه برق مسئولیت دارد و با سازمان انرژی اتمی همکاری می‌کند. طبق مصوبه شورای عالی انرژی کشور در مهر سال ۱۳۹۹، سهم انرژی هسته‌ای در سید انرژی کشور تا سال ۱۴۲۰، به ۸ هزار و ۴۰۰ مگاوات خواهد رسید. در حال حاضر، هزار و پنجاه مگاوات در دست بهره‌برداری است و تا سال ۱۴۰۷، دو واحد هزار و پنجاه مگاواتی دیگر به ظرفیت فعلی اضافه می‌شود. طبق برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، تا سال ۱۴۱۵؛ دو واحد دیگر در منطقه مکران و تا سال ۱۴۲۰ نیز در مناطق مناسب ۳ هزار مگاوات دیگر به این ظرفیت اضافه می‌شود.

در کنار وظیفه نهادهای تأمین‌کننده بر تولید برق، شاهد «تأمین» برق توسط نهادهای مذکور به روش‌هایی غیر از تولید و به شیوه «خرید و فروش برق» نیز می‌باشیم. بر خلاف نفت و گاز، برق، جرم و ماده فیزیکی نیست که به راحتی و به طور معمول، قابل جابه‌جایی یا ذخیره باشد. الکتریسیته فرایندی است که در سرتاسر سیم‌های برق، جریان یا انتقال یافته و در همان لحظه (کمی بیشتر یا کمتر) که تولید شده، باید به مصرف برسد (Stoft, 2002: 25). غیرملموس بودن برق، عدم امکان ذخیره و لزوم مصرف به محض تولید، به عنوان

ویژگی ممتاز، باعث شده بود که سابقاً آن را خدمت تلقی کنند (Mathur, 2014: 45)، اما بازنگری در ساختار عمومی صنعت برق و تفکیک تولید برق از انتقال و توزیع آن، سبب شد تا هر یک از این فعالیت‌ها نیاز به تعریف دقیق داشته باشد؛ چرا که تعاریف، محملی برای تفسیر و حل و فصل اختلافات حقوقی است. بر این مبناء، به نظر می‌رسد با توجه به دلایل فنی از جمله قابلیت اندازه‌گیری، قابلیت جابه‌جایی، دارا بودن مشخصات و خصوصیات کیفی از جمله ولتاژ، فرکانس و ضریب قدرت، برق فی‌نفسه خود کالاست، لیکن ترانزیت، انتقال، توزیع و خدمات جانبی آن، خدمت محسوب می‌شود. یادداشت تفسیری سامانه کدگذاری استاندارد کالا و خدمات سازمان ملل نیز در صورتی انتقال، توزیع، ترانزیت خدمات جانبی را خدمت دانسته است که ارائه‌دهنده مستقل از تولیدکننده برق، آن را انجام داده باشد (Horlick et al., 2002: 15).

قوانین و رویه قضایی برخی از کشورها از جمله ایالات متحده نیز این برداشت را تأیید می‌کند؛ برای نمونه، دادگاه تجدید نظر ماساچوست در پرونده‌ای در سال ۲۰۰۹ با تفسیر تعریف قانون یکنواخت تجاری که قابلیت جابه‌جایی (حرکت) در زمان تعیین مبیع در قرارداد را وجه تمایز کالا از خدمت دانسته است (نیکبخت و هفتانی، ۱۳۹۶: ۹۷) و برق را قابل اندازه‌گیری، سرقت و انتقال (متحرک بودن) تلقی کرده و قراردادهای خریدوفروش برق را تحت شمول قانون یکنواخت تجاری عنوان نمود و تصریح داشت که دادگاه، قراردادهای تأمین برق را نیز مشمول قانون یکنواخت تجاری می‌داند؛ چرا که تأمین‌کننده برق را که از تولیدکننده خریده است، با فروش می‌کند و این قرارداد، خرید خدمت از تأمین‌کننده نیست (Commonwealth v. Catalano, 74 Mass.) (App. Ct. 580, 584, 2009).

در ایران، نیز بر اساس ماده ۲ قانون اصل ۴۴ و بند الف ۲-۵ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مالکیت و کنترل شبکه‌های اصلی انتقال برق در دست دولت است، لیکن بر اساس ماده ۵ آیین‌نامه، شرایط و تضمین خرید برق موضوع بند (ب) ماده ۲۵ قانون برنامه چهارم توسعه، تمامی تولیدکنندگان و فعالان بازار برق، تحت نظارت شرکت مدیریت شبکه برق ایران باید آزادانه و بدون تبعیض به شبکه‌های برق دسترسی داشته باشند. بنابراین، ارزیابی برای اتصال به شبکه باید صرفاً فنی باشد تا از بروز خسارات و خاموشی برای مشترکین برق جلوگیری به عمل آورد (نیکبخت و هفتانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵). از این‌رو، در نگاه اول،

ادامه، مصادیق مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق از بعد تصدی‌گری مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۲. مسئولیت ناشی از عدم مراقبت و نگهداری از تأسیسات و تجهیزات انتقال و توزیع برق

نهادهای تأمین کننده برق، ملزم هستند تأسیسات خود را هراز چند گاهی مورد بررسی و چک قرار دهند تا از صحت و سلامت تأسیسات و تجهیزات انتقال و توزیع برق مطمئن گردند. گاهی اتفاق می‌افتد که به دلیل فرسودگی تأسیسات نهادهای تأمین کننده برق، این مراکز دچار حادثه (عمدتاً آتش‌سوزی ناشی از اتصال تأسیسات) شده و شبکه توزیع برق را دچار اختلال نموده و بروز قطعی و خاموشی چند روزه را در پی داشته است.

در ایران، در زمینه نگهداری تأسیسات و ساختمان‌های انتقال برق مقررات کامل و کم نقصی در ادارات برق موجود است که برای اثبات تقصیر ادارات برق و یا رد ادعای خواهان دریافت خسارت قابل دسترسی و ارائه هستند. از جمله می‌توان به دستورالعمل سرویس و نگهداری ساختمان پست زمینی ۲۰ کیلوولت و دستورالعمل تعمیرات و نگهداری خطوط و پست‌های انتقال و فوق توزیع اشاره کرد. مراقبت که عدم آن در قانون ایران، سبب مسئولیت مالک بنا یا تأسیسات صنعتی معرفی شده، اعمالی است که برای محافظت و استفاده متعارف از بنا یا تأسیسات صنعتی لازم است؛ به طوری که اگر این اعمال ترک شود، عیبی به وجود آمده و موجب خسارت خواهد شد (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۹). براساس ماده ۳۳۳ قانون مدنی عدم مراقبت از بنا و تقصیر مالک، باید به نحوی باشد که بر اثر آن تأسیسات خود به خود و بدون دخالت انسان ویران شود. مثلاً هر چند مالک موظف است از دستگاه‌های تهویه ساختمان خود مراقبت کند، اما هرگاه بر اثر عدم مراقبت و انفجار دستگاه، دیوار ساختمان بر ویران شود، این ویرانی از مصادیق ویرانی بنا که در ماده ۳۳۳ (ق.م) ایران مورد حکم قرار گرفته نیست. بر عکس هرگاه بر اثر عدم مراقبت مالک پایه‌های دستگاه پوسیدگی پیدا کرده و سقوط کند و سبب ورود خسارت گردد، مالک به سبب ویرانی بنا، مسئول خواهد بود. تعیین حدود و نوع مراقبت از بنا را می‌توان بر اساس عرف محاسبه کرد و دادگاه می‌تواند از نظر کارشناس کمک بگیرد. ممکن است تأسیسات صنعتی و ساختمان‌های آن بر اثر عدم مراقبت لازم کهنه و فرسوده شده و همین امر سبب ویرانی تأسیسات باشد که در این صورت هم عدم مراقبت منشأ اصلی مسئولیت به حساب می‌آید نه کهنگی تأسیسات. در اینجا،

به نظر می‌رسد، نهاد تأمین کننده برق باید با احداث خطوط انتقال گسترده، امکان اجرای کلیه قراردادهای بیع، سوآپ یا ترانزیت برق را فراهم کنند، اما همان‌طور که اشاره شد، این مسئله علاوه بر موانع فنی، مقرون به صرفه هم نیست. بنابراین، محدودیت خطوط انتقال باید رعایت شود تا اختلالی در خصوص انتقال برق معامله شده که همان خطوط انتقال برق به مشترکین می‌باشد، به وقوع نپیوندد. بنابراین، اتخاذ تدابیر فنی و کارشناسانه لازم در این باره، حائز اهمیت است و هرگونه اهمال در این خصوص، زمینه‌ساز طرح مسئولیت مدنی خواهد بود.

در ایران، شرکت مدیریت شبکه برق ایران به عنوان هماهنگ کننده اصلی ترانزیت و انتقال برق در سراسر کشور، مسئولیت حفظ پایداری شبکه را بر عهده دارد. این شرکت باید با در نظر گرفتن عوامل گوناگون، همواره تعادل میان عرضه و تولید را حفظ کند (ماده ۲ اساسنامه شرکت مدیریت شبکه برق ایران، مصوب ۱۳۸۳ هیئت وزیران). هرگونه ترانزیت در شبکه برق و خطوط بین‌المللی برق کشور باید با هماهنگی قبلی این شرکت باشد. با توجه به فراهم شدن تدریجی امکان صادرات برق برای بخش خصوصی با کسب مجوز قبلی، تأمین کننده موظف است ضمن ارائه قرارداد تأمین برق با مصرف کننده، مشخصات نقاط تحویل و دریافت برق در شبکه را به شرکت مدیریت شبکه ارائه و این شرکت بر اساس ضوابط موجود، امکان یا عدم امکان انتقال برق به مصرف کننده را اعلام کند. با توجه به محدود بودن خطوط بین‌المللی انتقال برق، ممکن است مجوز ترانزیت مقدار کمتری از آنچه در قرارداد آمده صادر شود (تبصره ۵ و ۶ ماده ۱۰ قرارداد ترانزیت شرکت مدیریت شبکه برق ایران). پس از خرید برق مورد نیاز، بر مبنای ماده ۲ «قانون سازمان برق ایران» وزارت نیرو مکلف است بعد از انجام مطالعات کافی کشور را از نظر تأمین برق بدون توجه به تقسیمات کشوری به مناطقی تقسیم نماید و برای تأمین برق آن مناطق به تدریج اقدام به تأسیس شرکت‌های برق منطقه‌ای بنماید تا فرایند انتقال برق به مشترکین صورت پذیرد.

۲. تحلیل مسئولیت مدنی نهادهای تأمین کننده برق از بعد تصدی‌گری

در دو کشور ایران و آمریکا، توزیع برق بین مشترکین، توسط نهادهای تأمین کننده برق که ماهیت خصوصی داشته یا مستقل از وزارت نیرو یا شرکت برق فدرال می‌باشند، صورت می‌پذیرد. بر این مبنا ماهیت اعمال نهادهای تأمین کننده برق در مرحله توزیع را می‌توان از بُعد تصدی‌گری مورد مطالعه قرار داد. در

دکل‌های برق در اقصی نقاط استان سقوط کردند؛ چنانچه در اثر سقوط این دکل‌ها خسارتی متوجه دیگری شده باشد با اثبات این امر که در احداث دکل‌ها عمق کافی برای پایه آنها با توجه به سیل خیز بودن محل نصب دکل‌ها در نظر گرفته نشده می‌توان درخواست خسارت را به طرفیت از شرکت برق ارائه کرد. متقابلاً شرکت برق نیز به طرفیت از پیمانکار و ناظر مربوطه امکان ارائه دعوی را خواهد داشت.

در ایالات متحده آمریکا نیز اکثر شرکت‌های برق مسئولیت «سهل‌انگاری فاحش» یا سوء رفتار عمدی را که منجر به خسارات متحمل مشتریان می‌شود، می‌پذیرند که از جمله مصادیق آن می‌توان به بی‌توجهی آگاهانه یا بی‌تفاوتی نسبت به ایمنی مشترکین اشاره داشت؛ در پی خاموشی‌های تکرار در سال ۲۰۲۱، شاکیان دقیقاً همین را ادعا کردند و یا در سال ۱۹۹۲، مرغداران آرکانزاس پس از این استدلال که نهاد تأمین‌کننده خدمات برق به طور جدی عیوب سیستم را که منجر به قطع برق پس از یک طوفان شدید شده بود، بررسی نکرد و این امر منجر به آن شد که بیش از ۹۰۰۰ مرغ در گرما تلف شدند، پیروز شدند و موفق به اثبات مسئولیت مدنی نهاد تأمین‌کننده خدمات برق گردیدند (Gilmer, 2021).

۲-۲. مسئولیت ناشی از اهمال و کوتاهی در تدابیر

پیشگیرانه و اقدامات امنیتی

در کشورها و مناطق جغرافیایی که تغییرات جوی و آب و هوایی بسیاری را تجربه می‌کنند و عمدتاً درگیر تغییرات آب و هوایی ناگهانی و سهمگین می‌باشند که می‌توان از آنها به عنوان بلایای طبیعی نیز نام برد که کشور ایران و ایالات متحده آمریکا از جمله این کشورها می‌باشد، لزوم اندیشیدن تدابیری پیشگیرانه به منظور پیشگیری از قطع برق و بروز خاموشی، بسیار حائز اهمیت است. از جمله مصادیق اهمال یا کوتاهی در انجام تدابیر پیشگیرانه، مربوط به خساراتی می‌باشد که ناشی از تغییرات آب و هوایی و عمدتاً طوفان‌های فصلی این کشور به وقوع می‌پیوندد و سبب قطع برق و اختلال در شبکه توزیع برق به مشترکین می‌شود. برای نمونه، پس از قطعی طولانی مدت برق در سال ۲۰۱۱ در آمریکا، کمیسیون‌های خدمات شهری، قوه مقننه و فرمانداران برای پاسخگویی بیشتر شرکت‌های برق اقدام کردند. انتقاد گسترده عمومی و دولتی از واکنش طوفان کانتیکات لایت اند پاور باعث ایجاد قانون جدیدی در این ایالت شد. طوفان ۲۹ اکتبر

کهنگی ایجاد نوعی اماره علیه مالک تأسیسات کهنه و پوسیده می‌باشد. اماره‌ای که نشان می‌دهد مالک به وظیفه خود عمل نکرده و مراقبت از بنا انجام نداده، مراقبتی که معمولاً باید به عمل می‌آمده تا تأسیسات فرسوده نشود. در اینجا، باید اذعان داشت که مسئولیت مدنی توأم با فعل زیانبار است. بنابراین، فردی مسئول جبران خسارت است که در فعل یا ترک فعلی مرتکب عمل زیانباری شده باشد. تعیین مسئول لزوماً نیازمند شناسایی فعل یا ترک فعلی است که سبب خسارت شده‌اند. با این توصیف چه در مسئولیت قراردادی یا قهری، نیاز به فعل وجود دارد در مسئولیت قراردادی فعلی زیانبار است که تعهدات موجود در قرارداد را نقض کرده و قابل انتساب به متعهد قرارداد نیز باشد، لیکن در مسئولیت قهری هر فعل زیانباری قابل تصور قرار می‌گیرد. مثلاً در مسئولیت عاقله این موضوع بدون فعل نیز بر عاقله بار می‌شود. در برخی موارد مانند مسئولیت محض شاید بتوان بدون اثبات تقصیر، جبران خسارت را بر عهده فردی قرار داد، اما بدون توجه به فعل زیانبار این امکان هرگز متصور نخواهد بود؛ مگر در مواردی که قانون معین کرده باشد. ضمناً در مسئولیت مدنی فعل باید با زیان همراه باشد. این فعل می‌تواند ایجابی یا مثبت و نیز سلبی یا منفی باشد. با این توضیحات شرکت توزیع نیروی برق نیز در دعاوی مسئولیت مدنی با اثبات فعل زیانبار چه به صورت مثبت یا منفی مسئول جبران خسارت خواهد بود. عمل مثبت مانند موردی که تکنسین فنی شرکت توزیع نیروی برق در مانور تغییر پست برق دچار سهل‌انگاری شده و موجب ایجاد اتصالی در شبکه و ایراد خسارت به لوازم برقی مصرف‌کنندگان می‌شود. در خصوص فعل منفی نیز مواردی چون کوتاهی در نظافت تجهیزات و یا تعمیر و مرمت تأسیسات و بروز مشکلات فنی در شبکه و ایراد خسارت به اشخاص طرف قرارداد یا غیر آن از موارد شایع در شبکه برق می‌باشد. به طور مثال در خاموشی گسترده استان خوزستان در سال ۱۳۹۶ دلیل خاموشی وجود غبار فراوان در محل به همراه رطوبت بالای منطقه تشخیص داده شد که چسبیدن غباری که حالا با رطوبت به گل تبدیل شده، منجر به خارج شدن ترانس‌ها و سایر تجهیزات برق از مدار می‌گردد. در این حالت اگر این حادثه، یعنی گل‌آلود شدن تجهیزات انتقال برق در منطقه قابل پیش‌بینی بوده باشد، توسل شرکت برق به قوه قاهره امکان‌پذیر نبوده و لذا هر متضرر از قطع برق در منطقه مورد نظر می‌توانسته ادعای خسارت نماید. یا در حادثه سیلاب سال ۱۳۸۶ در استان سیستان و بلوچستان بسیاری از

است که خود شرکت، پارامترهای مسئولیت بالقوه خود را برای مشتریان در زمانی که مشکلی در ارائه خدمات پیش می‌آید ترسیم می‌کند. بدین معنا که شرکت تأمین‌کننده خدمات برق، شرایطی را تعیین می‌کند که بر اساس آن موافقت می‌کند برق یا سایر خدمات را به مشتریان مسکونی و تجاری در یک منطقه معین ارائه کند، از نرخ‌ها گرفته تا اختلافات مربوط به صورت‌حساب و همه چیز در این قسم. این شرایط قرارداد خدمات معمولاً در چیزی به نام کتاب تعرفه موجود است و در جایی از این کتاب تعرفه که توسط کمیسیون خدمات عمومی ایالتی تأیید می‌شود، قاعده‌ای وجود دارد که شرایطی را توصیف می‌کند که در آن شرکت تأمین‌کننده خدمات برق را می‌تواند و نمی‌تواند از نظر قانونی در قبال خسارات وارده به مشترکین و شهروندان در صورت «وقفه در سرویس» یا «ناکافی بودن تأمین» در مورد برق یا منبع دیگری مسئول دانست. به واقع باید اذعان داشت در حقوق آمریکا و در قالب دفترچه مذکور، مواردی از «محدودیت مسئولیت» شرکت تأمین‌کننده خدمات برق مطرح گردیده است که جمله آنها، وقوع حادثه یا پدیده‌ای غیرقابل پیش‌بینی است که زمینه‌ساز آن می‌گردد که نهاد تأمین‌کننده برق، از مسئولیت معاف شود، اما در این میان، ارتکاب تقصیر حتی اگر جزئی باشد، او را مسئول کلیه خسارات قرار می‌دهد (Eisenberg, 2009: 1419).

اما در حقوق ایران، فعل به صورت مثبت یا منفی می‌تواند تعهدآور باشد، این نکته را نیز باید در نظر داشت که فعل یا ترک فعل زیان‌آور مسئولیت‌آور است که برخلاف مقررات قانونی صورت گرفته باشد. استفاده از ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی، رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی از جمله عواملی هستند که به‌رغم وجود فعل زیان‌بار مسئولیت را از فاعل آن می‌زداید. با توجه به اینکه در بیشتر مواردی که برای جبران خسارت به شرکت توزیع نیروی برق مراجعه می‌شود، این شرکت‌ها با این توضیح که هشدارهای لازم را به مصرف‌کنندگان برای جلوگیری از بروز خسارت به لوازم الکتریکی داده‌اند از جبران خسارت سرباز می‌زنند. در چنین مواردی، برای بررسی حدود مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق به عنوان فاعل فعل زیان‌بار در بروز خسارت، لازم است به «قاعده تحذیر» مراجعه شود. بر مبنای قاعده تحذیر، هر چند اصل آن است که مباشر مسئول ورود خسارت، است ولی در مواقعی که انتساب خسارت به عمل عامل با واسطه آنکه در اصطلاح سبب گفته می‌شود از انتساب آن به عمل مباشر اقوی باشد، سبب مسئول خسارت خواهد بود. در مورد قاعده تحذیر، چنانچه از

۲۰۱۱ خدمات بیش از ۸۰۰۰۰۰ مشتری را در طول چند روز از بین برد. شواهد نشان داد که شرکت برق برای طوفان آماده نبود و تلاش‌های مرمتی ناقصی انجام داده است. بر این مبنای قانون جدید استانداردهایی را برای شرکت‌های برق در مدیریت قطعی و بازیابی خدمات تعیین نمود. همچنین این اختیار را به سازمان تنظیم مقررات خدمات عمومی می‌دهد تا شرکت‌های خدماتی برق را به دلیل کوتاهی از استانداردهای عملکرد جریمه کند. همچنین قانون پیشنهادی دیگری در نیوجرسی، رعایت استانداردهای قابلیت اطمینان را برای خدمات عمومی الزامی نمود. این قانون به دنبال دو قطعی بزرگ بود که هزاران مشتری را برای چندین روز تحت تأثیر قرار داد. هدف این قانون «تحمیل جریمه‌های مالی بر شرکت‌های خدماتی آب و برق نیست، بلکه یک اقدام پیشگیرانه برای ایجاد بهترین برنامه عملی برای شرکت‌های برق است». این لایحه به هیئت خدمات عمومی اجازه می‌دهد تا شرکت‌های برق را به دلیل عملکرد پایین‌تر در برنامه‌ریزی و مدیریت خاموشی جریمه کند. در راستای تصویب این لایحه، قانونگذار از شرکت‌ها می‌خواهد تا به مشتریان برای قطعی‌ها غرامت بپردازند بر اساس قانون پیشنهادی، شرکت‌های آب و برق برای قطعی‌هایی که حداقل دو یا سه روز طول می‌کشد، غرامت را به مشتریان پرداخت می‌کنند. یکی از عوامل محرک این قانون، این ادعا بود که برخی شرکت‌های برق بودجه خود را برای تعمیر و نگهداری کاهش داده‌اند و در عین حال غرامت مدیران ارشد خود را افزایش داده‌اند. این قانون به دنبال قطع برق در سال ۲۰۱۱ بود که حدود ۳/۸ میلیون مشتری برق را تحت تأثیر قرار داد (Pocono Record, 2011).

سرمای شدید فوریه سال ۲۰۲۱ نیز سبب شد تا صنعت برق ایالت‌های جنوبی آمریکا دچار بحران گسترده بشود. بسیاری از مشترکان خانگی و تجاری از داکوتای شمالی (در مرز کانادا) تا تگزاس (در مرز مکزیک) در میانه سرمای بی‌سابقه دست کم ۵ میلیون آمریکایی به خصوص در ایالت تگزاس دچار قطعی برق شدند، اما آنچه مسلم است آن است که در آمریکا، زمانی که قطع برق ناشی از پدیده‌های آب و هوایی باشد، این نوع موارد به ندرت موفق به دریافت خسارت و احراز مسئولیت مدنی برای شرکت تأمین‌کننده خدمات برق می‌شوند. چنین روالی در ایالات متحده آمریکا ممکن است خیلی منصفانه به نظر نرسد، اما دلیل اصلی که دعوای شهروندان علیه یک شرکت خدمات عمومی نظیر شرکت تأمین‌کننده خدمات برق احتمالاً خیلی دور نخواهد بود، این

معرکه نماید، اعم از اینکه این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در ایران و آمریکا در مراحل تولید و انتقال در زمره اعمال حاکمیتی و مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع میان مشترکین و مصرف‌کنندگان در زمره اعمال تصدی‌گری قلمداد می‌گردد. به‌رغم این اشتراک، مطالعات تطبیقی صورت‌گرفته حاکی از آن است که مسئولیت مدنی نهاد تأمین‌کننده برق در مرحله تولید، در نظام حقوق ایران مبتنی بر «تقصیر» و در نظام حقوقی آمریکا مبتنی بر «خطای محض» می‌باشد؛ به تعبیری، مطالعه تطبیقی دو نظام حقوقی ایران و آمریکا مبین آن است که تفاوت‌هایی در خصوص مبنای مسئولیت نهادهای تأمین‌کننده برق در دو نظام حقوقی مذکور به چشم می‌خورد، اما در خصوص مسئولیت مدنی نهادهای تأمین‌کننده برق در مرحله توزیع برق، باید خاطر نشان ساخت که نهاد تأمین‌کننده، دارای مسئولیت قراردادی در قبال مشترکین بوده و در قبال سایر شهروندان و کسانی که خارج از شمول قرارداد از ناحیه شرکت‌های توزیع نیروی برق در زمینه فعالیت ایشان دچار خسارت می‌شوند، از نظر مسئولیت خارج از قرارداد یا مسئولیت قهری، واجد مسئولیت تلقی گردیده و ملزم به پاسخگویی و در صورت لزوم جبران خسارت است؛ البته در نقش مسئولیت قراردادی یا خارج از قرارداد، در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا، عامل «تقصیر» نقش بسیار اثرگذار و پررنگی در احراز مسئولیت مدنی دارد. تقصیر دربرگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخصی دیگری برخلاف متعارف است. بنابراین، هرگاه شخصی در اعمال و رفتار خود احتیاط معمول و مرسوم در جامعه را رعایت نکند یا از مقررات تخلف کند و موجب زیان شود، مسئول و مقصر شناخته می‌شود و ملزم است از عهده جبران زیان وارد شده برآید. بنابراین، مستفاد از چنین نظریه‌ای، در احراز تقصیر، زیان‌دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد اصولاً در مسئولیت‌های قراردادی اثبات عدم انجام تعهد برای این منظور کافی است و متعهد در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که ثابت کند قوای قاهره او را از اجرای قرارداد باز داشته است.

سوی خسارت زنده هشدار داده شده و تمام شرایط و عناصر لازم نیز رعایت شده باشد، اما خسارت‌دیده به آن ترتیب اثر نهد و به این واسطه خسارتی به او وارد شود، انتساب ضرر و زیان به خود او اقوی از انتساب آن به خسارت زنده است. در این خصوص، علمای حقوق معاصر مسئله را از طریق عنصر تقصیر حل می‌کنند، طبق تحلیل آنان خسارت‌زنده با هشدار قبلی، خود را از هرگونه تقصیری مبری کرده و تقصیری متوجه او نیست و به عبارت دیگر، مباشر (خسارت‌زنده) مقصر نیست و سبب (خسارت‌دیده) مقصر است. بنابراین، سبب اقوی از مباشر است و مسئولیت متوجه او خواهد بود. در بحث ما سبب ورود خسارت شخص خسارت‌دیده و مباشر آن خسارت‌زنده است و خسارت‌دیده که به‌رغم شنیدن هشدار و امکان فرار (که از شرایط و ارکان رفع مسئولیت است) اقدام به ورود به محل خطر کرده مقصر است و انتساب خسارت به او اقواست و در نتیجه این مورد از مواردی است که سبب اقوی از مباشر است؛ مانند زمانی که به جهت قدمت خطوط انتقال برق و احتمال برق‌گرفتگی مأمورین شرکت برق به انحای مختلف خطرات ناشی از تردد در پیرامون خطوط برق را به ساکنین منازل اطراف خط هشدار داده، ولی برخی ساکنین توجهی ننموده‌اند و به آنها خسارت وارد شده باشد. چنانچه هشدار بعد از وقوع حادثه اعلام گردد، روشن است که به مثابه عدم وجود هشدار خواهد بود و هشدار باید قبل از ورود خسارت به مخاطبان ابلاغ شده و در معرض دید آنان قرار گیرد. مثلاً در محله‌ای پر رفت و آمد و تقاطع خطوط برق در صورت نیاز به تعمیرات باید علاوه بر نصب تابلو و علائم هشداردهنده محل‌هایی که احتمال سقوط کابل یا اشیای دیگر وجود دارد کاملاً مشخص و محصور گردد. همچنین لازم به ذکر است، اعلام وجود محیط خطرناک یا تأسیسات صنعتی خطرآفرین بنا به مقتضای نوع خطر باید متناسب باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۲: ۱۲۷). حال چنانچه فردی برخلاف هشدار مذکور اقدامی انجام دهد که موجب خسارت مالی و جانی خود شود، بنا به قاعده تحذیر مسئولیتی متوجه نهاد تأمین‌کننده برق نخواهد بود. به تعبیری دیگر، اگر هشدار گیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد هشداردهنده از مسئولیت بری شناخته می‌شود. در کل، در قاعده تحذیر هشداردهنده نباید عامداً قصد ایراد صدمه و خسارت داشته باشد، هر چند که در ابتدا نیز هشدار لازم را داده باشد. همچنین دریافت‌کننده هشدار نیز نباید خود را وارد

References

- Ankit, Aman; Liu, Zhanlin; Miles, Scott & Choe, Youngjun. (2022). "U.S. Resilience to large-scale power outages in 2002–2019". *Journal of Safety Science and Resilience*, Volume 3, Issue 2:128-135; at: <https://www.sciencedirect.com.translate.google/science/article/pii/S2666449622000147>
- Arocena, P. (2008). "Cost and Quality Gains from Diversification and Vertical Integration in the Electricity Industry: A DEA Approach". *Energy Economics*, Vol. 30, PP. 39-58.
- Ebadi, Jafar and Dodabinejad. (2018). "choosing the optimal model of incentive price adjustment considering external effects for Iran's electricity distribution". *Quarterly Journal of Environmental and Energy Economics*, first year, number 1: 133-172. (In Persian)
- Eisenberg, A. M. (2009). "The Role of Fault in Contract Law: Unconscionability, Unexpected Circumstances, Interpretation, Mistake and Nonperformance". *Michigan Law Review*, 107(8).
- Gilmer, Ellen M. (2021). "Can You Sue When the Power Goes Out? Liability Shields Explained". *Bloomberg Law*; at: <https://news-bloomberglaw.com.translate.google/environment-and-energy/my-electricitys-out-can-i-take-someone-to-court-for-damages? x tr sl=en& x tr tl=fa& x tr hl=fa& x tr pto=sc>.
- Hillman, A. R. (2014). "The Future of Fault in Contract Law". *Duquesne Law Review*, Vol 52.
- Horlick, Gary & Others. (2002). *Natta Provisions and the Electricity Sector*. International Institute for Sustainable Development.
- http://www.michigan.gov/documents/mpscc/mpsc_electricoutageservicecredits
- https://www.wto.org/english/res_e/publications_e/wtr10_forum_e/wtr10_2july10_e.htm
- ICF Consulting. (14 August 2003). *The Economic Cost of the Blackout. An issue paper on the Northeastern Blackout*. Fairfax
- Irani, Mohammad Jafar; Taghizadeh, Ebrahim and Iranshahi, Alireza.. (2022). "Banks' civil responsibility for customers' deposits" *Scientific Journal of Danesh Civil Law*, Year 11, Number 1: 127-138. (In Persian)
- Mathur, Sajal. (2014). *Trade, the WTO and Energy Security*, Springer.
- Molodi, Mohammad; Haji Azizi, Bijan and Gholami, Negin. (2017). "Economic Basis of Damage Distribution in Civil Liability". *Legal Studies*, 10th Volume, Number 3: 227-258.(in Persian)
- Mousavi Bejnordi, Seyyed Mohammad. (2023). *Jurisprudence Rules*. Tehran: Majd Publications. (In Persian)
- Mousavi Mojab, Siddrid and Rafizadeh, Ali. (2014). "scope of criminal liability of legal entities in Islamic Penal Code". *Criminal Law Research*, fourth year, number 13. (In Persian)
- Nazari, Irandokht. (2015). *Responsibility of the owner*. Tehran: Javadane Jangal Publications.
- Nikbakht, Hamidreza and Haftani, Mehdi. (2016). "World Trade Organization and Electricity Trade (Iran's readiness to join)". *International Legal Journal*, 34th year, number 57: 91-118. (In Persian)
- Sharifi, Mohsen; Jabibzadeh, Mohammad Jaafar; Esian Tafarshi, Mohammad and Farjiha, Mohammad. (2012). "Transformations of Criminal Responsibility of Legal Entities in Iran". *Judiciary Law Journal*, No. 82. (In Persian)

- Shiravi, Abdul Hossein and Siraj, Narges. (2019). "How to separate governance and tenure practices in industry, custodian institutions and their relationship". *Public Law Studies Quarterly*, year 50, number 2: 659-683. (In Persian)
- Stoff, S. (2024). *Power System Economic: Designing Markets for Power*. New York: Weekly.
- Tawanir. (2013). *special statistics of the electrical industry. especially for managers*. (In Persian)
- Tawanir. (2013). *statistics of the special letter of the electrical industry*. (In Persian)
- Unit, faze; Zahidian, Mojtabi and Tajari, Ahmed. (2022). "The basis of contractual responsibilities in American law and a comparative study with jurisprudence and Iranian law". *Quarterly Journal of Comparative Islamic and Western Law*, 9th year, number 4: 275-302. (In Persian)
- Ziyai, Seyyed Yaser and Yaqoubi, Marzieh. (2022). "The exception of "acts of tenure" to the immunity of the government in international law". *Ta'ala Legal Quarterly*, 13th year, number 4: 217-246. (In Persian)